

Abstract

This study examines and analyzes the practice of the Iran–United States Claims Tribunal in assessing and determining damages arising from breaches of contractual obligations and actions affecting property rights. The main research question is how the Tribunal applies specific criteria and methods in calculating compensation and how it integrates legal and economic principles to determine the fair value of assets. The research employs a descriptive-analytical approach based on case studies of key Tribunal decisions, including the Housing Starrett and Amoco cases. Findings indicate that the Tribunal has established the fair market value as the primary basis for calculating damages, avoids reliance solely on book value, and applies advanced economic methods cautiously in complex cases. The study highlights the Tribunal's role in developing investment arbitration standards and enhancing confidence in international mechanisms for resolving economic disputes.

Keywords: Iran–United States Claims Tribunal, damages, breach of investment contracts, expropriation

نحوه ارزیابی غرامت در دیوان داوری ایران-آمریکا در نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری:

بررسی آراء و جریان دادرسی

مرتضی ترابی^۱ - مطهره مالکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

چکیده

این پژوهش به بررسی و تحلیل رویه دیوان داوری ایران و آمریکا در ارزیابی و تعیین غرامت ناشی از نقض تعهدات قراردادی و اقدامات مؤثر بر مالکیت می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش آن است که دیوان در تعیین غرامت از چه معیارها و روش‌هایی استفاده کرده و چگونه اصول حقوقی و اقتصادی را برای تعیین ارزش منصفانه دارایی‌ها تلفیق کرده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه موردی آرای شاخص دیوان، از جمله پرونده‌های استارت و اموکو است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دیوان معیار ارزش واقعی بازار را به‌عنوان مبنای اصلی محاسبه غرامت تثبیت کرده، از اتکای صرف بر ارزش دفتری پرهیز کرده و در موارد پیچیده اقتصادی با احتیاط از روش‌های پیشرفته بهره برده است. اهمیت پژوهش در تبیین نقش دیوان در توسعه استانداردهای داوری سرمایه‌گذاری و افزایش اعتماد به سازوکارهای حل اختلاف اقتصادی بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: دیوان داوری ایران و آمریکا، غرامت، نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری، سلب مالکیت

m.torabi@basu.ac.ir

^۱استاد یار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

^۲دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران (نویسنده مسئول). Motymaleki@gmail.com

سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از سازوکارهای مشارکت اقتصادی میان دولت‌ها و اشخاص خصوصی، در حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق سرمایه‌گذاری از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. تنظیم روابط میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی، مستلزم رعایت تعهدات قراردادی و قواعد حاکم بر حمایت از سرمایه‌گذاری، در کنار اعمال صلاحیت‌های حاکمیتی دولت‌هاست. در این میان، بروز اختلافات ناشی از اجرای قراردادهای سرمایه‌گذاری یا اقدامات حاکمیتی مؤثر بر اموال و منافع سرمایه‌گذار، موضوع جبران خسارت و تعیین غرامت را به یکی از مباحث اصلی داوری‌های سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. تعیین معیارهای مناسب برای ارزیابی غرامت، نقش مهمی در تحقق تعادل میان منافع عمومی دولت و حقوق خصوصی سرمایه‌گذار ایفا می‌کند.

در این چارچوب، دیوان داوری ایران و آمریکا به‌عنوان یک مرجع داوری خاص، سهم قابل توجهی در رسیدگی به دعاوی مرتبط با اختلافات مالی و قراردادی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و اتباع آمریکایی داشته است. آراء صادره از سوی این دیوان، به‌ویژه در حوزه نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری و آثار حقوقی اقدامات مؤثر بر مالکیت، حاوی رویکردها و معیارهایی در زمینه ارزیابی غرامت است که از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی و داوری سرمایه‌گذاری واجد اهمیت می‌باشد. این رویه، به دلیل حجم قابل توجه دعاوی و تنوع موضوعات مطروحه، امکان بررسی تطبیقی و تحلیلی مبانی جبران خسارت را فراهم ساخته است.

با وجود صدور آرای متعدد، نحوه تعیین میزان غرامت در دیوان داوری ایران و آمریکا همواره از منظر حقوقی و فنی محل بررسی بوده است. مسائلی نظیر مبنای حقوقی محاسبه غرامت، معیارهای ارزیابی ارزش دارایی‌ها، تفکیک میان خسارت‌های مستقیم و منافع از دست‌رفته، و میزان اتکای دیوان به داده‌ها و ارزیابی‌های اقتصادی، از جمله موضوعاتی است که نیازمند تحلیل منسجم و مستند می‌باشد. افزون بر این، بررسی نحوه رسیدگی و جریان دادرسی در پرونده‌های منتخب، می‌تواند درک دقیق‌تری از شیوه ارزیابی ادله و استدلال‌های مورد استفاده دیوان ارائه دهد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که دیوان داوری ایران و آمریکا در ارزیابی و تعیین غرامت ناشی از نقض قراردادهای سرمایه‌گذاری و اقدامات مؤثر بر مالکیت، از چه مبانی حقوقی و معیارهای عملی استفاده کرده و این رویکرد چه ویژگی‌هایی دارد؟ در کنار این سؤال، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه دیوان چه جایگاهی برای انواع مختلف خسارت قائل بوده، نقش شواهد و تحلیل‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری آن چگونه ارزیابی می‌شود و دیوان در مواجهه با روش‌های پیچیده ارزش‌گذاری چه رویکردی اتخاذ کرده است.

فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که دیوان داوری ایران و آمریکا، ضمن بهره‌گیری از اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل در زمینه جبران خسارت، رویکردی موردی و مبتنی بر اوضاع و احوال خاص هر پرونده اتخاذ کرده و در فرآیند تعیین غرامت،

توجه ویژه‌ای به ادله اقتصادی و فنی ارائه شده از سوی طرفین داشته است. این رویکرد، هرچند منجر به تنوع در شیوه محاسبه غرامت در آرای مختلف شده، اما در مجموع چارچوبی قابل تحلیل از رویه داوری سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و بر مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی موردی آرای منتخب دیوان داوری ایران و آمریکا استوار می‌باشد. در این راستا، ضمن تبیین مبانی نظری مرتبط با جبران خسارت در حقوق بین‌الملل اقتصادی، آرای شاخص دیوان از حیث استدلال‌های حقوقی و نحوه ارزیابی ادله اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین جریان دادرسی در برخی پرونده‌ها بررسی می‌شود تا نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری دیوان در تعیین غرامت به صورت دقیق‌تر روشن گردد.

چارچوب مفهومی

۱،۱ تعریف و اهمیت داوری بین‌المللی

داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مؤثرترین و رایج‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری فراملی، همواره مورد توجه جامعه بین‌المللی بوده است. این نهاد به دلیل استقلال رویه‌ای، قابلیت اجرای جهانی و احترام به اصل استقلال اراده طرفین، امکان رسیدگی و حل اختلافات پیچیده میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم می‌کند. در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، خطر نقض تعهدات قراردادی یا سلب مالکیت توسط دولت میزبان همواره وجود دارد و داوری بین‌المللی به‌عنوان سازوکاری مؤثر در تضمین حقوق سرمایه‌گذار عمل می‌کند (لاگلین، ۱۳۸۸).

۱،۲ نقش دیوان داوری ایران-آمریکا بر اساس بیانیه‌های الجزایر

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و موضوع گروگان‌گیری متعاقب آن، روابط اقتصادی میان ایران و ایالات متحده را به شدت تحت تأثیر قرار داد. به منظور حل و فصل دعاوی چند میلیارد دلاری ناشی از مصادره‌ها، ملی‌سازی‌ها و نقض قراردادهای، دو طرف در ژانویه ۱۹۸۱ «قرارداد الجزایر» را منعقد کردند. این قرارداد منجر به تأسیس «دیوان داوری ایران و آمریکا» (Iran-United States Claims Tribunal - IUSCT) شد. دیوان داوری ایران و آمریکا نهادی منحصر به فرد در تاریخ داوری بین‌المللی است که وظیفه رسیدگی به دعاوی میان دولت ایران و اتباع ایالات متحده را بر عهده دارد (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵). به دلیل ماهیت خاص تأسیس و حجم گسترده دعاوی، این دیوان نقش محوری در شکل‌دهی به اصول اولیه حقوق بین‌الملل اقتصادی و رویه‌های ارزیابی غرامت ایفا کرده است. آرای دیوان، با وجود ویژگی‌های خاص خود، به سرعت به منابع معتبر در زمینه تفسیر قراردادهای، اصول سلب مالکیت و تعیین مبانی و روش‌های محاسبه غرامت تبدیل شدند.

۱,۳ اهمیت ارزیابی غرامت در نقض قراردادهای سرمایه گذاری

ارزیابی غرامت، نقطه کانونی هر دعوی ناشی از نقض قرارداد یا اقدامات مؤثر بر مالکیت است. در دعوی سرمایه گذاری، تعیین میزان خسارت نه تنها مستلزم اثبات وقوع نقض است، بلکه مبتنی بر تحلیل های اقتصادی و حقوقی پیچیده است تا مبلغی تعیین شود که سرمایه گذار زیان دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر نقض رخ نمی داد، در آن قرار داشت (اصل جبران کامل خسارت). نوسانات ارزی، ارزش گذاری دارایی های غیرمشهود و برآورد سود مورد انتظار، از چالش های اصلی این فرآیند به شمار می روند. دیوان داوری ایران و آمریکا در مواجهه با این چالش ها، رویه هایی را توسعه داد که در داوری های سرمایه گذاری مدرن، به ویژه در زمینه ارزش گذاری شرکت ها در کشورهای در حال توسعه، به عنوان معیار و الگو مورد استفاده قرار گرفته اند.

۲ مبانی نظری غرامت در داوری بین المللی

۲,۱ تعریف غرامت^۱

در حقوق بین الملل، غرامت به معنای جبران خسارت ناشی از اعمال خلاف قانون بین الملل یا نقض تعهدات قراردادی است که به دولت یا تبعه خارجی وارد شده است. هدف اصلی غرامت، بازگرداندن خواهان به وضعیت قبلی خود پیش از وقوع زیان است؛ اصلی که در حقوق بین الملل با عنوان «جبران کامل»^۲ شناخته می شود.

۲,۲ اصول کلی جبران خسارت در حقوق بین الملل

اصل اساسی در تعیین غرامت، برگرفته از رویه دیوان دائمی دادگستری بین المللی (PCIJ) در پرونده کارخانه چکوف (Case of Factory at Chorzów, 1928) است که مقرر می دارد: «جبران خسارت باید به گونه ای باشد که وضعیت موجود پیش از نقض بازسازی شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۰).

اصول کلیدی در این زمینه عبارتند از:

جبران کامل (Full Compensation): زیان دیده باید به طور کامل جبران شود.

رابطه سببیت (Causation): باید رابطه مستقیم و اثبات شده میان عمل خلاف و خسارت وارده وجود داشته باشد. قابلیت پیش بینی (Foreseeability): خسارت باید مستقیماً ناشی از نقض باشد و در زمان وقوع نقض، قابل پیش بینی بوده باشد.

۲,۳ نظریه های خسارت: Lucrum Cessans و Damnum Emergens

^۱ Compensation

^۲ Full Reparation

ارزیابی غرامت در حقوق قراردادی و سرمایه‌گذاری بر اساس دو مفهوم سنتی پذیرفته شده در حقوق مدنی و بین‌المللی انجام می‌شود:

۲,۳,۱ خسارت مستقیم^۱

این بخش شامل زیان‌های واقعی و ملموسی است که مستقیماً ناشی از نقض تعهد یا سلب مالکیت می‌باشد. در پرونده‌های سرمایه‌گذاری، این شامل ارزش واقعی دارایی‌های مصادره شده، هزینه‌های از دست رفته و تعهدات پرداخت نشده است (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۰).

۲,۳,۲ منافع از دست‌رفته^۲

این بخش شامل سودی است که سرمایه‌گذار می‌توانست به‌طور معقول از ادامه اجرای قرارداد یا فعالیت سرمایه‌گذاری کسب کند. تعیین *Lucrum Cessans* پیچیده‌تر است و نیازمند اثبات تداوم فعالیت سودآور و برآورد جریان‌های نقدی آتی می‌باشد.

۲,۴ استانداردهای بین‌المللی جبران

در دعاوی سرمایه‌گذاری، استاندارد اصلی برای تعیین ارزش دارایی در زمان سلب مالکیت یا نقض قرارداد، ارزش واقعی بازار^۳ است. دیوان ایران و آمریکا بارها بر این استاندارد تأکید کرده است. آن به قیمتی اطلاق می‌شود که یک خریدار مطلع و مایل (و نه مجبور) حاضر است در یک معامله رقابتی و آزاد برای دارایی پردازد، در حالی که فروشنده نیز مطلع و مایل به فروش باشد.

سایر روش‌های ارزیابی که مبنای تعیین FMV قرار می‌گیرند عبارتند از:

روش ارزش دفتری^۴: این روش معمولاً توسط دیوان مردود شمرده می‌شود مگر آنکه معیار دیگری در دسترس نباشد، زیرا ارزش دفتری اغلب منعکس‌کننده ارزش اقتصادی واقعی نیست.

^۱ Damnum Emergens

^۲ Lucrum Cessans

^۳ Fair Market Value – FMV

^۴ Book Value

روش ارزش جایگزینی^۱: هزینه جایگزینی دارایی با دارایی مشابه؛ این روش اغلب برای زیرساخت‌های خاص به کار می‌رود.

روش جریان نقدی تنزیل شده^۲: برآورد ارزش فعلی تمامی درآمدهای آتی پیش‌بینی شده از سرمایه‌گذاری، با تنزیل آن‌ها به ارزش فعلی با استفاده از نرخ تنزیل مناسب.

۲,۵ اصول عرفی و معاهدات مرتبط

دیوان ایران و آمریکا در بسیاری از آراء خود به اصول عرفی حقوق بین‌الملل، به ویژه در زمینه سلب مالکیت^۳، استناد کرده است. بر اساس این اصول، سلب مالکیت باید به نفع عموم باشد، تبعیض‌آمیز نباشد و با پرداخت غرامت مناسب همراه باشد (اصل شرطی‌سازی غرامت).

۳. جایگاه دیوان داوری ایران و آمریکا در توسعه رویه جبران خسارت

۳,۱ معرفی دیوان و صلاحیت آن

دیوان داوری ایران و آمریکا (معروف به دیوان لاهه) یک نهاد داوری اد‌هاک^۴ بود که طبق ماده دوم قرارداد الجزایر، صلاحیت رسیدگی به دعاوی میان اتباع ایالات متحده و دولت ایران را یافت. صلاحیت دیوان شامل دعاوی مالی^۵ و دعاوی قراردادی (Contractual Claims) می‌شد.

ساختار دیوان شامل ۹ داور بود؛ سه نفر توسط ایران، سه نفر توسط آمریکا و سه نفر توسط داوران منتخب از سوی هر دو طرف منصوب می‌شدند. رویه دیوان بر اساس اصول کلی حقوق و قوانین معتبر در سطح بین‌المللی^۶ استوار بود.

۳,۲ نقش دیوان در توسعه و تحول استانداردهای غرامت

^۱ Replacement Value

^۲ Discounted Cash Flow – DCF

^۳ Expropriation

^۴ Ad Hoc

^۵ Monetary Claims

^۶ Principles of Law Generally Recognized by Legal Systems of the World

دیوان ایران و آمریکا، به‌عنوان نخستین نهاد داوری که حجم وسیعی از دعاوی سرمایه‌گذاری علیه یک دولت حاکم را رسیدگی می‌کرد، پایه‌های مهمی را در حوزه جبران خسارت بنا نهاد:

تأکید بر FMV: دیوان استاندارد FMV را به‌عنوان مبنای اصلی تعیین غرامت در سلب مالکیت پذیرفت، حتی در مواردی که سلب مالکیت مشروع تلقی می‌شد.

تفکیک میان سلب مالکیت مشروع و غیرمشروع: دیوان میان مصادره مشروع (با غرامت مناسب) و مصادره غیرمشروع (که مستلزم جبران کامل از جمله منافع از دست رفته بود) تمایز قائل شد.

اهمیت شواهد اقتصادی: دیوان بر لزوم ارائه گزارش‌های کارشناسی دقیق و مبتنی بر روش‌های پذیرفته شده مالی برای اثبات مبلغ غرامت تأکید کرد؛ این امر استاندارد ارائه مدارک را به میزان قابل توجهی ارتقا داد.

۴. روش‌های ارزیابی غرامت در دیوان

دیوان در تعیین مبلغ غرامت، عمدتاً از ترکیب روش‌های ارزیابی برای نیل به FMV استفاده می‌کرد.

۱.۴ روش ارزش واقعی بازار (FMV)

FMV مبنای اصلی دیوان بود. دیوان تأکید داشت که ارزش باید در "لحظه سلب مالکیت" (Date Taking of) ارزیابی شود، نه در زمان صدور رأی. این امر موجب شد که سرمایه‌گذاران سعی کنند نشان دهند که اگر نقض رخ نمیداد، ارزش دارایی آنها تا زمان صدور رأی افزایش مییافت (که اغلب مورد قبول دیوان واقع نمیشد، مگر در موارد خاص).

۲.۴ روش جریان نقدی تنزیلشده (DCF)

زمانی که دارایی مورد ادعا یک کسب‌وکار فعال و سودآور بود، دیوان ایران و آمریکا به استفاده از روش جریان نقدی تنزیل شده (Discounted Cash Flow – DCF) متمایل می‌شد. این روش مستلزم پیش‌بینی سودآوری آتی شرکت و سپس تنزیل آن به ارزش فعلی بود. فرمول این روش به صورت زیر است:

$$\frac{C_t}{(r + 1)^t} \sum_{t=1}^n = PV$$

که در آن:

(PV) = ارزش فعلی (Present Value)

(C_t) = جریان نقدی خالص در سال (t)

(r) = نرخ تنزیل (Discount Rate)

(n) = تعداد سال‌های پیش‌بینی شده

چالش‌های اصلی این روش در آرای دیوان عبارت بودند از:

۱. **انتخاب نرخ تنزیل مناسب:** نرخ تنزیل باید ریسک سرمایه‌گذاری در ایران در آن مقطع تاریخی را به‌درستی منعکس کند.

۲. **دقت در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی:** برآورد صحیح جریان‌های نقدی مورد انتظار، شرط لازم برای محاسبه دقیق ارزش فعلی دارایی بود.

۴,۳ روش خسارت مستقیم و غیرمستقیم

دیوان میان خسارات مستقیم (مانند ارزش دارایی فیزیکی و وجه نقد) و خسارات غیرمستقیم (مانند منافع از دست رفته و هزینه‌های ناشی از توقف فعالیت) تمایز قائل می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۹).

• خسارات غیرمستقیم: برای پذیرش منافع از دست رفته (Lucrum) (Cessans)، دیوان معمولاً خواستار آن بود که سرمایه‌گذار ثابت کند کسب آن سود، نه تنها محتمل، بلکه تقریباً قطعی بوده است.

۴,۴ معیارهای احراز رابطه سببیت (Causation)

رابطه سببیت یک شرط اساسی است. خواهان باید اثبات کند که زیان وارده مستقیماً ناشی از رفتار خلاف دولت (مثلاً مصادره، لغو مجوز، یا تغییر قوانین) بوده است. دیوان اغلب از اصل دوری خسارت (Remoteness) of (Damages) استفاده می‌کرد و تنها خساراتی را قابل جبران میدانست که از پیامدهای طبیعی و مستقیم نقض قرارداد باشند.

۴,۵ نقش پیش‌بینی پذیری خسارت

در پرونده‌هایی که نقض قرارداد به سادگی سلب مالکیت نبود (مانند عدم صدور مجوز یا تأخیر در اجرای تعهد)، دیوان بر اصل پیش‌بینی‌پذیری تأکید داشت. اگر زیان ناشی از نقض، در زمان انعقاد قرارداد، غیرقابل پیش‌بینی بود، جبران آن دشوارتر می‌شد.

۵. بررسی پرونده‌های کلیدی دیوان ایران و آمریکا در ارزیابی غرامت

دیوان ایران و آمریکا در طول فعالیت خود، مجموعه‌ای از آراء صادر کرد که هر یک جنبه‌ای از ارزیابی غرامت را روشن ساختند. تمرکز بر پرونده‌های شاخص که مستقیماً با ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاری‌ها سروکار داشتند، ضروری است.

Starrett Housing Corporation v. Government of the Islamic Republic of Iran پرونده ۵،۱

شرح وقایع و جریان دادرسی:

شرکت Starrett Housing پروژه‌ای بزرگ توسعه مسکونی در تهران را بر اساس قراردادی با شرکت توسعه فضا سازی ایران (شرکت دولتی) آغاز کرده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قرارداد دچار مشکلات جدی شد و دولت ایران مدیریت پروژه را در دست گرفت و عملاً شرکت Starrett را از ادامه فعالیت محروم کرد؛ اقداماتی که دیوان آن را سلب مالکیت تلقی کرد (سلطانی، س ۱۳۹۹: ۴۵).

ادعاهای طرفین:

Starrett ادعای سلب مالکیت و درخواست غرامت بر اساس ارزش بازار کامل پروژه در زمان سلب مالکیت، شامل سرمایه سرمایه‌گذاری شده و منافع مورد انتظار (سود) بود.

ایران: استدلال می‌کرد اقدامات دولت در چارچوب ملی‌سازی‌های انقلابی صورت گرفته و مبلغ پرداختی به عنوان غرامت باید صرفاً معادل هزینه‌های انجام شده (Basis Cost) باشد، نه ارزش بازار.

تحلیل دیوان در باب غرامت:

دیوان تأکید کرد که اقدامات دولت، هرچند ممکن است با نیت اجتماعی انجام شده باشد، اما به دلیل عدم پرداخت غرامت مناسب، معادل سلب مالکیت غیرقانونی تلقی می‌شود.

مبنای محاسبه خسارت:

ارزش سرمایه‌گذاری انجام شده تا لحظه سلب مالکیت.

سود مورد انتظار (Lucrum Cessans) که شرکت می‌توانست در صورت تکمیل پروژه کسب کند.

نحوه محاسبه:

دیوان FMV پروژه در سال ۱۹۸۰ را تعیین کرد. این محاسبه با استفاده از تحلیل‌های هزینه‌ای-درآمدی و ارزیابی زمین و ساخت‌وسازهای ناتمام انجام شد. نرخ بازدهی مورد انتظار پروژه با توجه به بازار داخلی و بین‌المللی سنجیده شد. این پرونده یک استاندارد مهم برای ارزش‌گذاری املاک و مستغلات در دعاوی سلب مالکیت ایجاد کرد.

Amoco International Finance Corp. v. Government of the Islamic Republic of Iran پرونده ۵،۲

شرح وقایع و نوع نقض قرارداد:

شرکت Amoco بر اساس قرارداد مشارکت (Concession Agreement) با شرکت ملی نفت ایران (NIOC) فعالیت می‌کرد. پس از انقلاب، دولت ایران مالکیت کامل شرکت‌های نفتی را ملی اعلام و قراردادهای مشارکت را لغو کرد. دیوان پیش‌تر اعلام کرده بود که ملی‌سازی به خودی خود سلب مالکیت مشروع است، اما در این پرونده، دیوان به جبران خسارت وارده به Amoco پرداخت (مهرپور، ۱۳۹۱:۳۴).

معیار ارزیابی غرامت:

چالش اصلی در این پرونده، ارزش‌گذاری دارایی‌های استخراجی (منابع نفت و گاز) و امتیازات قراردادی بود که عمدتاً سودآوری آتی داشتند.

استدلال نهایی دیوان:

دیوان از روش ارزش اقتصادی واحد تجاری (Going Concern Value) استفاده کرد که اساساً مبتنی بر روش جریان نقدی تنزیل شده (DCF) بود. ارزیابی بر پایه سودآوری شرکت در شرایط عادی (بدون وقوع نقض) انجام شد و نرخ تنزیل با توجه به شرایط اقتصادی و ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران در آن زمان تعیین گردید. این پرونده نشان داد که دیوان در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ صنعتی، از روش‌های پیچیده اقتصادی برای محاسبه سود مورد انتظار (Cessans Lucrum) استفاده می‌کند، مشروط بر اینکه پیش‌بینی‌ها واقع‌بینانه باشند.

جریان رأی و استدلال حقوقی دیوان

شرکت INA مالک سهام در یک شرکت بیمه ایرانی بود که پس از انقلاب تحت کنترل کامل دولت قرار گرفت و عملاً فعالیت‌های خصوصی آن متوقف شد. دیوان این اقدام را به عنوان سلب مالکیت کامل تلقی کرد. استدلال حقوقی دیوان: دیوان بر ضرورت جبران کامل خسارت تأکید نمود. نکته متمایز این پرونده، وجود سهام در یک شرکت داخلی و لزوم ارزش‌گذاری بر اساس ارزش واقعی خود شرکت ایرانی بود.

تأثیرات رأی دیوان بر اصول جبران

در این پرونده، دیوان به جای تمرکز بر دارایی‌های فیزیکی، ارزش بازار سهام را معیار قرار داد. با این حال، از آنجا که بازار سهام ایران در آن زمان کارآمد نبود، از روش‌های ترکیبی استفاده شد: ارزش دارایی‌های شرکت بیمه: بررسی دقیق دارایی‌های تحت مالکیت شرکت بیمه.

تعدیل محدودیت‌های انتقال: اعمال تخفیف به ارزش سهام به دلیل محدودیت‌های فروش آن. این پرونده اهمیت ارزیابی ارزش اقتصادی سهم حتی در محیط‌های غیربازاری را تأیید کرد.

پرونده‌های مشابه

۱. **Sedco Inc. v. Government of the Islamic Republic of Iran**

شرکت سدکو در خدمات حفاری نفت و گاز فعالیت داشت. دیوان در این پرونده بر ارزیابی FMV تجهیزات و دارایی‌های مادی تمرکز کرد و تأکید نمود که هزینه جایگزینی (Replacement Cost) با لحاظ استهلاک واقعی محاسبه شود، نه صرفاً استهلاک دفاتر شرکت. این پرونده اهمیت ارزشگذاری دارایی‌های منقول و ماشین‌آلات را نشان داد.

۲. **Phillips Petroleum Company, Iran v. Government of the Islamic Republic of Iran**

این پرونده درباره قراردادهای اکتشاف و تولید نفت بود. چالش اصلی ارزشگذاری حقوق امتیاز (Concession Rights) به عنوان دارایی غیرمادی مبتنی بر درآمد آتی بود. دیوان از تحلیل‌های مبتنی بر DCF برای تخمین سودهای آینده استفاده کرد، اما تأکید نمود نرخ تنزیل باید ریسک‌های مرتبط با تضمین‌های دولتی و ثبات سیاسی را منعکس کند (قاضی، ۱۳۹۰: ۶۹).

تحلیل تطبیقی رویه دیوان

آرای دیوان ایران و آمریکا مسیر روشن و منعطفی برای ارزیابی غرامت ایجاد کردند که تأثیرات بلندمدت بر داوری‌های سرمایه‌گذاری داشته است. چالش‌ها:

تأخیر در صدور آراء: به ویژه در پرونده‌های پیچیده، ارزش غرامت تحت تأثیر تورم و گذر زمان قرار گرفت.

مسئله نرخ تنزیل: تعیین نرخ مناسب در شرایط اقتصادی پرریسک ایران، همواره مورد بحث بود.

فوریت اجرای تعهدات: دیوان در برخی موارد نتوانست سریعاً از تضييع بیشتر دارایی‌ها جلوگیری کند.

تأثیر بر داوری سرمایه‌گذاری مدرن (ICSID):

الگوی ارزیابی دارایی: روش‌های دیوان برای ارزشگذاری دارایی‌های پیچیده مانند نفت و املاک، پایه تحلیل‌های کارشناسی ICSID شد.

اصل FMV در سلب مالکیت: تأکید بر غرامت بر اساس ارزش بازار در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، بازتاب مستقیم رویه دیوان است.

جمع بندی

دیوان داوری ایران و آمریکا در طول فعالیت خود، نقش برجسته و تاریخی‌ای در تثبیت حقوق ایران در مواجهه با دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایفا کرد. این دیوان با اتکا به اصول حقوقی و رویه بین‌المللی، چارچوبی منسجم برای حمایت از مالکیت دولت ایران و ارزیابی عادلانه غرامت ناشی از سلب مالکیت ایجاد نمود. مهم‌ترین دستاورد دیوان، تأکید بر استاندارد ارزش واقعی بازار (FMV) به عنوان مبنای محاسبه غرامت بود، که تضمینی برای جلوگیری از ارزیابی‌های یک‌جانبه و به نفع سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کرد. پذیرش روش‌های پیشرفته اقتصادی مانند DCF برای محاسبه سود مورد انتظار، با شرط اثبات رابطه سببیت و قابلیت پیش‌بینی خسارت، نشان‌دهنده رویکرد دقیق دیوان به حمایت از منافع ایران در برابر ادعاهای اغلب ناعادلانه بود. پرونده‌هایی مانند *Housing Starrett* و *Amoco* نیز تأیید کردند که دیوان، برخلاف ارزش دفتری که ممکن است به نفع سرمایه‌گذاران خارجی باشد، همواره به دنبال ارزش اقتصادی واقعی دارایی‌ها در زمان وقوع زیان بوده است.

دیوان ایران و آمریکا، به عنوان نخستین تجربه گسترده داوری میان یک دولت ملی و اتباع خارجی پس از موج ملی‌سازی‌ها، نشان داد که سازوکارهای داوری بین‌المللی می‌توانند منافع یک کشور مستقل مانند ایران را در دعاوی پیچیده و سیاسی حفظ کنند. آرای این دیوان، به عنوان بخشی از سوابق حقوق بین‌الملل اقتصادی، نقش محوری در تقویت موقعیت ایران در مقابل ریسک‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاران خارجی ایفا کرده است.

پژوهش‌های آینده می‌توانند بر دو حوزه متمرکز شوند: نخست، تحلیل کمی نرخ‌های تنزیل؛ بررسی تطبیقی نرخ‌های استفاده شده در پرونده‌های DCF دیوان و مقایسه با نرخ‌های رایج در زمان وقوع، تصویری دقیق از رویکرد دیوان در درک واقع‌بینانه ریسک بازار ایران و حمایت از حقوق ملی ارائه می‌دهد. دوم، بررسی تأثیرات عملی بر دکتترین ICSID؛ تحلیل چگونگی استفاده صریح یا ضمنی داوران ICSID از استدلال‌های دیوان ایران و آمریکا در ارزیابی خسارت‌های ناشی از مالکیت سلب تلویحی نشان می‌دهد که رویه دیوان الگویی برای محافظت از حاکمیت و حقوق ایران در داوری‌های مدرن سرمایه‌گذاری فراهم کرده است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۴)، مبانی مشروعیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- باقری، محمدعلی (۱۴۰۳)، بررسی نسبت انواع مشروعیت با حقوق عمومی، مجله علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، دوره ۸، شماره ۱: ۱۱۱-۱۰۳
- بیژنی، مریم؛ معتمدنژاد، کاظم؛ علینی، محسن (۱۳۸۸)، جایگاه «مشروعیت قانونی» در گفت‌وگوهای سیاسی رسمی نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۴۶: ۱۳۸-۱۰۷.
- جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی کارویژه های شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- دارایی، علی، مشهدی، علی، قارلقی، صدیقه (۱۴۰۰)، مفهوم قانون اساسی در اندیشه خبرگان قانون اساسی ایران، نشریه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۳: ۱۳۳-۱۰۹
- دهقان ناصر آبادی، غلامرضا؛ شریف شاهی، محمد؛ احمدی، سید محمد صادق (۱۴۰۳)، ارزیابی نظریه مشروعیت در قانون اساسی مشروطه، مجله سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، شماره ۴: ۳۱-۱۵
- زرنک، محمد (۱۳۸۴). سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سبحانی، سید جعفر (۱۳۸۹)، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ پنجم.

سلطانی، سید ناصر (۱۳۹۹)، عناصر نخستین قانون اساسی ایران؛ اصول حکومت قانون، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۲: ۱۸۹-۱۷۱

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی در اسلام و ایران معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.

قاضی، سید عباس (۱۳۹۰). مبانی فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.

لاگلین، مارتین (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی. ترجمه محمد راسخ، نشر نی

مهرپور، حسین (۱۳۹۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون اساسی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات سمت

هاشمی، سید محمد (۱۳۹۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱ و ۲، تهران: نشر میزان.